

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان:

معرفی دوازده امام توسط امام سجاد علیه السلام

سخنران:

دکتر وحید باقر پورکاشانی

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَدَأَ الْخَلْقَ



@MAHDISM_IR



@seratehaghi

در کتاب احتجاج و اکمال الدین، احتجاج مرحوم شیخ طبرسی و اکمال الدین یا کمال الدین و تمام النعمه مال مرحوم شیخ صدوق. از ابی حمزه ثمالی، از ابی خالد کابلی، روایت شده که گفت: بر سید خودم علی ابن الحسین زین العابدین علیه السلام وارد شدم، پس عرض کردم یا بن رسول الله خبر بده به من از کسی که خداوند اطاعت و مودت و اقتدای به ایشان را بعد از رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم بر بندگانش واجب فرموده. فرمودند: کنکر، صاحب امر، کنکر اسمشه کنکر صاحب امر که خداوند ایشان را امام قرار داده و طاعتشان را بر مردم واجب کرده اول آنها امیر المومنین علی ابن ابی طالبه، بعد حسن و بعد حسین علیه السلام. دو پسر علی ابن ابی طالب. پس از آن امر منتهی به ما شده، یعنی چی؟ به من زین العابدین حضرت ساکت شدند، گفتم ای سید من از امیر المومنین علیه السلام روایت شده که فرمودند: زمین از حجت خدا بر بندگان خالی نمی ماند پس حجت و امام بعد شما کیست؟ فرمود: پسر محمد و اسم او در تورات باقر است. می شکافد علم را شکافتنی.

باقر یعنی: شکافنده، شکافنده‌ی علم. در ارتباط با وجود نازنین حضرت باقر می‌شه یعنی گفت در مورد امام باقر و امام صادق انقلاب علمی صورت گرفته، که در اوصیای نبی اکرم. آن هم به خاطر این که دو قدرت بن العباس و بن الامیه بنی امیه برای حفظ قدرت بن العباس هم برای گرفتن قدرت از بنی امیه به جنگ پرداختن و و آن توجهی که باید به ائمه می‌کردند بایکدشون رو کمتر کردن خب این‌ها فرصت پیدا کردن و اوصیاء يك درس عظیمی رو تشکیل دادند و شاگردانی رو تربیت کردند روایاتی رو بیان کردند لذا کثیر روایتی که به دست ما آمده از امام صادق و امام باقر. لذا خب هر کدوم از ائمه‌ی معصومین دیگه ظهوری داشتن در زمان خودشون کما که این صفت باقر العلوم نسبت به کل ائمه‌ی معصومین اما چون در زمان خلافت خودشان امامت خودشان ظهور شکافندگی علمی داشتند صفت ایشان را باقر قرار دادند.

باقر العلوم یعنی شکافنده‌ی علم.

فرمودند: پسر محمد و اسم او در تورات باقر است. می‌شکافد علم را شکافتنی. او حجت و امام بعد من است و پس از محمد پسرش جعفر و اسم او نزده اهل آسمان صادق. یعنی آسمانیان ایشان را به اسم صادق می‌شناسن. گفتم: سید من چگونه اسم او صادق و حال آن که تمام شما صادق هستید. فرمود: گفت به من پدرم از پدرش، این که رسول خدا فرمود: یعنی به من امام حسین گفت و امام حسین هم از امیر المومنین و امیر المومنین هم از پیامبر شنیده بود که فرمود: هر گاه متولد شود پسر من جعفر بن محمد بن علی ابن حسین بن علی بن ابی طالب او را صادق نام گذارید. زیرا پنجمین کس از اولاد او اسمش جعفره ادعای امامت کند و آن دروغگوست و نزد خداوند جعفر کذاب و مفتری بر خداوند است. خب امام جعفر صادق امام ششمه پنجمی می‌خوایم بگیم که حضرت موسی ابن جعفر حضرت علی بن موسی دو، حضرت جواد الائمه سه، حضرت امام هادی چهار، حضرت عسکری می‌شه پنج از فرزندان امام هادی می‌شه کی؟ جعفر این پنجمی شد یعنی شد بعد از جعفر پس پسر امام هادی برادر امام حسن عسکریه، این کذابه.

به کذب ادعای چی می‌کنه؟ امامت می‌کنه! می‌گه من امام مفترض الطاعه‌ام. یعنی بعد از این جعفر بعد امام حسن عسکری گفت من امام مهدی نیستم. از من تبعیت بکنید! بعضی‌ها میان ادعا می‌کند امری را که اهل او نیست با پدرش مخالف است، یعنی بر مبنای پدرش امام هادی نیست. بر برادرش حسد ورزیده دوست داشته که آن موقعیت و برسه در شأنیت او نبوده حسادت کرده نمی‌توانسته در زمانه حضرت عسکری نشون بده خودش رو، همین که حضرت عسکری رو به شهادت رسانیدن آمد چنین کاری رو کرد گفت من جانشین هستم.

او کسی است که کشف سطر هنگام غیبت ولی خدا بنماید بعد حضرت علی بن الحسین گریه‌ی شدیدی کرد. این‌جا بینین این‌که امام زین العابدین وقتی صحبت از جعفر می‌کنه می‌گه گریه‌ی شدیدی کرد. خب این باعث گمراهیه خیلی‌ها شد کما این‌که ما الان می‌بینیم اسماعیله هنوز که هنوزه جمعیت میلیونی جمعیت وسیعی هست به‌خاطر يك انحرافاتى باقی مونده، یا زیدیه که قائل شدن به امامته زید پسر حضرت زین العابدین زید بن علی بن الحسین الان می‌بینی که زیدیه هست که در یمن اکثریت زیدی هستن دیگه. جمعیته فراوانی هست خب این‌جور حضرت فهمیدن که این بدعت می‌مونه و این انحراف و شیعه‌ها از دست میرن حضرت خیلی گریه کردن به خاطر این مسئله. در کتاب کمال الدین و تمام النعمه جلد دوم صفحه‌ی ۴۷۵ آورده جعفر معتمد عباسی خلیفه‌ی زمان خودش رو تحریک کرد که این‌ها برن در خانه‌ی حضرت عسکری برای یافتن فرزندی بینن فرزندی داره یا نداره. حتی خب معتمد هم بدش نمی‌آمد و شنیده بود که از حضرت عسکری فرزندش مهدیه، گفت این رو می‌کشیم خب می‌دونست ظالمه دیگه و گرنه این بساطه خلافت ما رو به باد می‌ده.

لذا آمد جعفر گفت بیاین بریزین به خونهی برادرم حضرت عسکری
ببینیم فرزندی داره این فرزند رو بگیریمش یا به تعبیری معتمد اون
فرزند رو بکشه! خب اینها آمدن جستجو کردن و گشتن فرزند و بله
پیدا نکردن یعنی به معجزه‌ی الهی بنا نبود که حضرت عسکری که
حضرت مهدی دستگیر بشه. يك بحثیه، می‌گن آقا چرا حضرت غایب
بودن. ببینین فتنه به این‌جا می‌رسه که عموی امام زمان در صدد این
که با خلیفه‌ی جور زمان خودش همدست بشن که امام زمان را از
بین ببرند فتنه به این‌جا می‌رسه کار.

بعد فرمودن: و با همکاری او یکی از کنیزان و کسانی که مخلص بود
در خانه‌ی حضرت عسکری او را دستگیر کردند گاهی اوقات فکر
کردند که این کنیز، مهدی رو مخفی کرده و گفتند که این به تعبیری
خیانت کرده دست‌گیر کردن، بردن به واسطه‌ی همین جناب جعفر.

حتی در کمال الدین و تمام النعمه جلد اول صفحه‌ی ۴۳ و ۴۴ گزارش شده که جعفر با معتمد عباسی با حکومت وقت همدست شد گفت: اگر شما منو نسبت به رفضه به عنوان امام، دولت و حکومت به رسمیت بشماره من از این وجوهاتی که از این شیعه‌ها می‌گیرم پول‌هایی که دارن، سالیانه مبلغ بالایی رو به شما اعطا می‌کنم! این در کمال الدین و تمام النعمه صفحه‌ی ۴۳ بیان شده بعد ابو خالد گفت: عرض کردم یا بن الرسول الله به امام زین العابدین می‌گه، این امر خواهد شد؟ فرمود: آری قسم به خدا این امر نزد ما در صحیفه‌ایی که در او ذکر که بر ذکر محنی که بر ما بعد رسول خدا جاری می‌گردد مکتوب است. گفت ابو خالد عرض کردم بعد چه می‌شود؟ فرمود غیبت، غیبت ولی خدا که دوازدهمین اوصیاء پیغمبر و ائمه‌ی بعد اوست طول خواهد کشید بعد این چند خط خیلی عجیبه این چند خط و توجه بکنیم خیلی مهمه نسبت به افضل مردمان که در عصر غیبت هستند چقدر خداوند مایه گذاشته بر کسانی که در عصر غیبت امام زمان هستند خب این فرق می‌کنه يك نفر دسترسی به امام معصوم داره با يك نفری که امام رو ندیده، بر اساس روایات، آیات، عدله‌ای، عقلی میاد ایمان پیدا می‌کنه تا این که امام رو می‌بینه معجزه از امام داره می‌بینه این خیلی متفاوت هست یکسان نیست.

لذا خداوند توقعی که آن کسی که امام رو دیده در محضر امام
بوده يك توقع داره، از کسی که ندیده يك توقع داره لذا فرمودند: ای
اباخالد حضرت زین العابدین فرمودند مردمان زمان غیبت او غیبت
مهدی و قائلین به امامت این خیلی مهمه. امام مفترض الطاعه رو
قبول بکنیم و منتظرین ظهور او هم ببینید بعضی‌ها امام رو قبول
دارن منتظر ظهور نیست از یکی سوال بکنی آقا اگه حضرت مهدی
تشریف بیاره چی کار می‌کنی می‌گه همین کاری که الان می‌کنم
چی کار می‌کنم همین کاری که می‌کنم منتظر برای امام زمان نمی‌سوزه
انتظار امام زمان رو.. اما امام رو قبول داره جزء اعتقاداتشه این می‌گه
نه، مردمان زمانه غیبت او و قائلین به امامت و منتظرین ظهور او
افضل از مردم هر زمانند! در زمان پیامبر در زمان امام حسین در
زمان انبیاء هر زمانند. در طی تاریخ اینا افضله مردمانند. زیرا خدا به
ایشان از عقل و فهم و معرفت عطا کرده خوب خداوند وقتی می‌بینه
این کمبود هست در مقابلش هم جبران می‌کنه به این‌ها عقلی میده
معرفتی میده فهمی میده که انگار کأن امام مقابلشون هست امام
حاضر و غائب برای‌شان فرقی نداره آن که در زمان امام هادی بودن،
در زمان حضرت عسکری بودند، صراحتاً تمام ائمه نام بردند رفتند
دنبال کی؟ رفتن دنبال جعفر این بی فهمیه این‌ها دیگه.

اما این‌هایی که امامشان را ندیدن می‌گه که خدا به ایشان از عقل و فهم و معرفت عطا کرده و به اندازه‌ای که غیبت او به منزله‌ی مشاهده برای آن‌ها و آن مردم در آن زمان به منزله مجاهدین با شمشیر خدمت رسول الله‌اند انگار در جنگ بدر در رکاب نبی اکرم داره می‌جنگه جوش رو گرفته کف دستش داره خالصانه تقدیم رسول خدا و اسلام می‌کنه چه ارزشی داره می‌گه کسانی که منتظرین امام زمان باشند چنین جایگاهی دارند. چنین فضیلت و چنین ثوابی برای آن‌هاست. بعد فرمودند این جمع از مردم حقیقتاً مخلصین و شیعه و داعیون الی الله یعنی دعوت به سوی خدا می‌کنند آشکارا و پنهان می‌باشند داعی الی الله، آشکار و پنهان در علنی مخفی هر جور که هست افراد رو دعوت به سمت خدا می‌کنند دعوت کننده به سمت خدا هستند این‌ها تعبیر عجیبه حضرت فرمود این‌ها شیعه‌اند شیعه تو روایات ما یک بار معنایی خیلی عظیمی داره فردی آمد محضر یکی از معصومین، گفت آقا ما از نیشابور آمدیم از خراسان آمدیم. جمعی از شیعیان شما هستیم، حضرت گفتن شیعه هستین؟ دیدن یه غلامی وارد شد به محضر معصوم، حضرت بهش گفتند که غلام پیر تو تنور. این هنوز دیگه یعنی کفش شو در نیاورده بیاد بشینه بدو بدو، تنور آتش، پرید تو تنور و حضرت هم بلند شدن و سر تنور و گذاشتن!

حالا این‌ها به هم نگاه می‌کنن و عرق به جانشان می‌شینه عجب این جزغاله شد این چنین شد این چنان شد. بعد حضرت فرمودند که خب حالا شما فرمودید شیعیان هستید دیگه؟! شما چند نفر مثل ایشان دارید؟ گفت آقا هیچی. حضرت رفتن در تنور رو وا کردن نگاه کردن همه دیدن تو آتیش نشسته نمی‌سوزونه و معجزه خارج شد. گفت این شیعه‌ی ماست بار معنای شیعه در روایات خیلی بار عظیمیه نسبت به افراد خاص به کار رفته شده این‌جا می‌فرمایند که چنین افرادی، کسانی که واقعاً در عصر غیبت منتظر امامن، این‌ها شیعه‌ان، پیرو به معنای حقیقی. حالا ولو این که پاش می‌لغزه می‌گم که فضای مجازی اقتضاش همینه دیگه اون شاگرد اولشه که مثلاً فرض کن آگه حضوری بوده بیست می‌گیره حالا ۱۵ گرفته این شاگرد اول حسابش می‌کنند گاهی وقتا می‌گن آقا آن موقع شاگرد اولاً معدل ۲۰ بودن این چرا ۱۵؟ می‌گه اقتضاش همینه اقتضاشه. بله این اگر چنانچه مدرسه می‌رفت ۲۰ می‌گرفت. آن شیعه فرق می‌کنه می‌گه بله این شیعه اگر چنانچه در ارتباط با حجت خدا بود چنین رشدی را پیدا می‌کرد. فرمود انتظار فرج آن حضرت از بزرگترین فرج هاست.